

سیاست به سبک دهه هشتادی‌ها

۱. بازی‌های سیاست

پنجره شکسته

برخی مثال‌ها می‌تواند فهم مسایل سیاسی - اجتماعی را آسان کند، لذا دانشمندان حوزه‌های مختلف اجتماعی، سیاسی و حتی روانشناسی و جرم‌شناسی، با دقت و بررسی این مثال‌ها به نظریاتی علمی دست یافته‌اند که بوسیله آنها می‌توان مسایل مختلفی را فهم و بررسی نمایند.

به عنوان نمونه ساختمانی را در نظر بگیرید که چند پنجره شکسته دارد. اگر این پنجره‌ها تعمیر نشوند، احتمالاً افراد خرابکار، در هنگام مشاهده این ساختمان (در مقایسه با یک ساختمان سالم) تمایل بیشتری به تخریب سایر پنجره‌ها خواهند داشت. حتی ممکن است وارد آن ساختمان شوند و اگر کسی ساکن آنجا نباشد، آنجا را اشغال کنند تا نیت پلید خود را در آزار و اذیت قربانیان و یا پاتوقی برای مدیریت باند دزدی و مصرف مواد مخدر و..... عملی سازند.

در مثال دیگری فرض کنید در یک پیاده‌رو، قطعاتی از زباله ریخته شود. چند قطعه زباله جمع می‌شود و به سرعت زباله‌ها افزایش پیدا می‌کنند. در نهایت، مردم ظرف غذاهای خود را آنجا رها خواهند کرد و حتی شاید به ماشین‌ها دستبرد زده شود. این مثالها، مثال‌هایی است که در بررسی نظریه "پنجره شکسته" از آن استفاده می‌شود. در این نظریه بحث می‌شود که چطور عدم جلوگیری از برخی نقص‌ها و معضلات، می‌تواند به شیوع آن در جامعه بینجامد. لذا راه جلوگیری از فراگیری معضلی اجتماعی، حل آن در همان ابتدای کار است.

به عنوان نمونه ادعای تقلب در انتخابات ریاست جمهوری در سال ۱۳۸۴ توسط مهدی کروبی و اکبر هاشمی رفسنجانی مطرح گردید. بازندگان انتخابات در آن سال در حالی که رئیس‌جمهور منتخب مردم با فاصله میلیونی پیروز شده بود و در حالی که برگزار کنندگان انتخابات وزیر کشور دولت اصلاح طلب و حامی بازندگان بود، ادعای تقلب در انتخابات را مطرح کرد. شاید اگر با این مدعیان دروغین برخورد قاطعی می‌شد، همین جریان در سال ۱۳۸۸ جرات نمی‌کردند، مجدداً در سطح گسترده‌تری این ادعا را تکرار کنند و کشور را به آشوب بکشانند.

۲. پرسش از شما - پاسخ از رهبری

چرا سفارت آمریکا را اشغال کردیم؟

از ساعات اول پیروزی انقلاب بلکه حتی قبل از انقلاب دشمن درصدد توطئه برآمد. آمریکایی‌ها چند روز قبل از پیروزی انقلاب آدم فرستادند اینجا که شاید بتوانند یک کودتایی راه بیندازند و حرکت مردم را خنثی کنند که البته نتوانستند. بعد هم که انقلاب پیروز شد، انواع و اقسام تلاشها را کردند؛ چه تلاشهای سیاسی رسمی که سنای آمریکا از همان روزهای اول علیه جمهوری اسلامی موضع گرفت، اعلام خصومت کرد، اعلام تحریم کرد - که این راههای رسمی بود، راههای علنی بود - چه از راههای غیر علنی، که تماس گرفتند با عوامل خودشان، با مزدوران خودشان در داخل کشور که شاید بتوانند از حضور قومیت‌های

مختلف برای ایجاد اختلاف در میان ملت استفاده کنند، که تو دهنشان خورد. هم خود قومیت‌های ما - عرب ما، ترک ما، کُرد ما، لُر ما، ترکمن ما، که همه آماج این توطئه بودند- در مقابل آمریکا ایستادند و هم جوانان مؤمن، جوانانی که آن روز، هنوز اسم پاسدار رویشان نبود، اسم بسیج رویشان نبود اما به معنای حقیقی کلمه پاسدار انقلاب بودند و بسیجی راه انقلاب بودند، رفتند توطئه‌ی آمریکا را خنثی کردند. بنابراین آمریکایی‌ها از ساعت اول شروع کردند و اینها همه غیر از کارهایی بود که در داخل سفارت آمریکا همین‌جا در تهران انجام می‌گرفت.

بعد از آنکه جوانهای ما رفتند و این مرکز را تسخیر کردند و با زحمت زیاد توانستند کاغذهایی را که خرد شده بود، مدارکی را که در کاغذخردکن ریخته شده بود، گردآوری کنند، جمع کنند، به هم بچسبانند و به صورت کتاب دربیاورند، آن وقت معلوم شد که چه توطئه‌هایی هم در طول این مدت در داخل سفارت آمریکا وجود داشته. این کتابها حدود هفتاد جلد است؛ شماها خوانده‌اید اینها را؟ چرا هیچ نشانی از مضامین برگزیده‌ی این کتابها در مجموعه‌ی مدارس ما، دبیرستان‌های ما، دانشگاه‌های ما نیست؟ چرا؟ این یکی از اعتراضهای من است. وزیر جدید محترم آموزش و پرورش اینجا در جلسه هستند؛ چرا اینها را داخل کتابهای درسی قرار نمیدهید؟ چرا نمیگذارید نسل جوان ما، نسل جدید ما بفهمد و بداند که آمریکا با اینجا چه کرده است و چه توطئه‌هایی زیر سر داشته؟ حرکت دانشجویان برای تسخیر سفارت، واکنش به این همه خباثت بود که پیروزمندانه اتفاق افتاد؛ یعنی جلوی تحرک ابرقدرت پرروی زیاده‌خواه آمریکا را در داخل کشور گرفت؛ انقلاب یعنی این. (۹۵/۸/۱۲)

۳. من چه کاره این مملکت‌ام؟

آیا دخالت در سیاست مختص برخی از افراد خاص است؟

نظام اسلامی نظامی طبقاتی و متعلق به قشر یا افراد خاصی نیست که در آن به عنوان مثل روحانیت از جایگاه ممتازی برخوردار باشد. سیاست و سیاست ورزی هرچند کاری تخصصی است که هر که بیشتر تلاش علمی کرده باشد، با آگاهی و بصیرت و دقت بیشتری تشخیص و تصمیم خواهد گرفت، اما از سویی امری عمومی و متعلق به همه اقشار جامعه بوده و ممنوعیت و انحصاری در آن وجود ندارد. این سخن مستند به رهنمودهای بنیانگذار جمهوری اسلامی است. حضرت امام(ره) در عباراتی در برابر جریانی انحرافی که در آستانه انتخابات دوم مجلس شورای اسلامی در سال ۱۳۶۳ مدعی شده بود «تنها اسلام‌شناسان باید در سیاست دخالت کرده و دیگران باید از آنها تبعیت کنند»، چنین هشدار می‌دهند:

«از قراری که من شنیده‌ام در دانشگاه بعضی از اشخاص رفته‌اند گفته‌اند که دخالت در انتخابات، دخالت در سیاست است و این حق مجتهدین است. تا حالا می‌گفتند که مجتهدین در سیاست نباید دخالت بکنند، این منافای با حق مجتهدین است، آنجا شکست خورده‌اند، حالا عکسش را دارند می‌گویند. این هم روی همین زمینه است، اینکه می‌گویند انتخابات از امور سیاسی است و امور سیاسی هم حق مجتهدین است هر دوی غلط است. انتخابات سرنوشت یک ملت را دارد تعیین می‌کند، انتخابات بر فرض اینکه سیاسی باشد و هست هم، این دارد سرنوشت همه ملت را تعیین می‌کند، یعنی آحاد ملت سرنوشت زندگی‌شان در دنیا و آخرت منوط به این انتخابات است. این طور نیست که انتخابات را باید چند تا مجتهد عمل کنند، این معنی دارد که مثلاً یک دویست تا مجتهد در قم داشتیم و یک صد تا مجتهد در جاهای دیگر داشتیم، اینها هم بیایند انتخاب کنند، دیگر مردم بروند کنار؟! ... دانشگاهی‌ها بدانند این را که همانطوری که یک مجتهد در سرنوشت خودش باید دخالت کند، یک دانشجوی جوان هم باید در سرنوشت خودش دخالت کند. فرق ما بین دانشگاهی و دانشجو و مثلاً مدرسه‌ای و اینها نیست، همه‌شان با هم هستند. اینکه در دانشگاه رفتند و یک همچو مطلبی را گفتند، این یک توطئه‌ای است برای اینکه شما جوان‌ها را مأیوس کنند.» (۶۲/۱۲/۹)

۴. غرب چگونه غرب شد؟!

دوره های مختلف استعمارگری

غارت و استعمارگری جهان توسط اروپاییان از قرن پانزدهم میلادی از اشغال قاره آمریکا و تهاجم به شرق آسیا آغاز شد. در طول بیش از پنج قرن، استعمارگری هم حالت های مختلفی به خود گرفته است. برخی از صاحب نظران از دوره «استعمار کلاسیک»، دوره «استعمار نو» و دوره «استعمار فرانوَ» سخن گفته اند.

برخی از تعبیر «امپریالیسم» برای اشاره به دوره «استعمارنو» و از تعبیر «امپریالیسم نو» برای دوره «استعمارفرانو» استفاده کرده اند. "ارنست ماندل" ژوهشگر و موخر مشهور غربی دوران امپریالیسم را به دو مرحله تقسیم می کند: امپریالیسم کلاسیک، از اواخر قرن نوزدهم تا پایان جنگ جهانی دوم و امپریالیسم جدید.

در این میان توضیح حضرت آیت الله خامنه ای نیز قابل توجه است. ایشان در تقسیم بندی خود تفاوت دوره های مختلف استعماری را چنین شرح می دهند: «یک روز استعمار کهنه بود- استعماری که بعدها اسمش را گذاشتند استعمارکهنه و کهن- می رفتند بر کشورها تسلط پیدا می کردند؛ مثل هند، مثل الجزایر، مثل خیلی از کشورهای دیگر. با بیداری ملت ها این استعمار از بین رفت و دیگر نتوانستند ادامه دهند. البته در سال های دوران استعمار، ملت ها را فشرده و واقعاً رُمق آنها را گرفتند؛ ولی به هرحال استعمار کهن از بین رفت و جای آن، استعمار نو را آوردند. استعمار نو این بود که در رأس کشورها بیگانگان نمی آمدند حکومت کنند؛ مثل دوران استعمار قدیم نبود که حاکم انگلیسی برود در هند حکومت کند؛ نه، از خود کشورها کسانی را می گماشتند؛ مثل رژیم طاغوت، مثل رضاخان و پسرش، و مثل بسیاری از دولت های دیگر کشورهای جهان سوم - به قول خودشان - و از جمله کشورهای اسلامی. سال های متمادی ملت ها را فشرده؛ مستبدان را آوردند؛ نظامی های کودتایی را سرکار آوردند و هرطور توانستند، از حضور ملت ها مانع شدند. امروز می بینند این هم بُردی ندارد؛ لذا راه دیگری را برای تسلط بر کشورها در پیش گرفته اند و آن، نفوذ در ملت هاست؛ که این همان چیزی است که من چندی پیش گفتم استعمار فرانوَ. بالاتر از استعمار نو، یک نوع استعمار دیگر است. ایادی خودشان را به کشورها بفرستند و با پول و تبلیغات و اغواگری های گوناگون و رنگین نشان دادن و موجه نشان دادن چهره ی مستکبران ظالم عالم، بخشی از ملت ها را اغوا و تحریک کنند.»

۵. تویی که نمی شناسمت!

از فتح لانه جاسوسی تا فتح خرمشهر

تسخیر لانه جاسوسی آمریکا توسط جوانانی اتفاق افتاد که پیش از آن گمنام بودند. جوانان خوش فکر و درس خوانی که دانشجویان دانشگاه برتر کشور اعم از دانشگاه تهران، امیرکبیر، شریف و ... را تشکیل می دادند. بخشی از این دانشجویان پس از خلق این حماسه بزرگ در مسیر انقلاب ماندند و جان خود را در این مسیر گذاشتند! یکی از چهره های به نام دانشجویان پیرو خط امام که نام او جزو فاتحان خرمشهر نیز به ثبت رسیده است، محسن وزوایی نام دارد.

پدر محسن از همزمان مرحوم آیت الله کاشانی بود، لذ وی نیز خیلی زود وارد عرصه مبارزه با رژیم پهلوی شد. محسن از همان کودکی اهل مطالعه بود و با هوش بالایی که داشت توسط در سال ۱۳۵۵ به دانشگاه راه یابد و در رشته شیمی دانشگاه صنعتی شریف مشغول به تحصیل شود. پس از ورود به دانشگاه، به جریان مکتبی انجمن های اسلامی دانشجویان این دانشگاه پیوست و هم زمان با شرکت در فعالیت های سیاسی و جلسات عقیدتی، از سال ۱۳۵۶ مسئولیت هدایت و جهت دهی به مبارزات دانشجویی ضد دیکتاتوری را در سطح دانشگاه شریف عهده دار شد.

با اوج گیری نهضت اسلامی مردم ایران در سال ۱۳۵۷ محسن وزوایی به طور جدی وارد مبارزه شد و از جمله پیشتازان و جلوداران تظاهرات مردمی بود. وی در درگیری‌های مسلحانه و سرنوشت ساز ۱۹ بهمن تا ۲۲ بهمن ۱۳۵۷، حضوری پرثمر داشت و در تصرف دو پادگان مهم جمشیدیه و عشرت‌آباد نیز شهادت بالایی از خود نشان داد.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی فعالیت های انقلابی خود در دانشگاه را بطور جد دنبال کرد و از نخستین دانشجویان پیرو خط امام بود که در جریان تسخیر لانه جاسوسی نقش آفرین گردید. اثدامی انقلابی که حضرت امام از آن با تعبیر بدیع «انقلابی بزرگ تر از انقلاب اول» یاد کرد.

محسن وزوایی به دنبال تجاوز عراق به ایران، به همراه دوستانش به جبهه غرب عزیمت کرد و خیلی زود در سطح فرماندهان سپاه نقش آفرینی نمود

محسن وزوایی، نقش فعالی در طراحی عملیات فتح بلندی‌های «بازی دراز» ایفا کرد و در همین نبرد به شدت مجروح شد. در طول جنگ تحمیلی، در عملیات‌های متعدد با مسئولیت‌های گوناگون حضور داشت. در عملیات مطلع الفجر، و فتح المبین جزو کادر اصلی فرماندهان تیپ تازه تأسیس محمد رسول الله (ص) بود.

با تأسیس تیپ ۱۰ سیدالشهداء، فرمانده این تیپ شد. همین تیپ، در ۲۳ فروردین ماه ۱۳۶۱ وارد عملیات بیت المقدس شد و برای اجرای بهتر عملیات، با تیپ حضرت رسول ادغام گردید و محسن وزوایی نیز فرماندهی محور اصلی را عهده‌دار شد. و سرانجام این فرمانده دلاور پس از ماه‌ها مجاهدت و مبارزه با دشمنان اسلام و حماسه آفرینی در عملیات‌های متعدد، در دهم اردیبهشت ماه سال ۱۳۶۱ در ۲۲ سالگی در پشت دوازده‌های شهر اشغال شده خرمشهر به شهادت رسید و زمینه ساز آزادی خونین شهر گردید.